

در برنامه سوم توسعه تنظیم بازار داخلی موجب ممنوعیت صدور نمی‌گردد

اشاره:

بخش بازرگانی در سومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که کاهش اتکاء به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و اتکاء بیشتر به ارز ناشی از صدور کالاها و خدمات محرک فنی از اهداف اصلی برنامه است، سیاست جهت صادراتی به عنوان مبنای اصلی سیاست‌گذاری بخش بازرگانی داخلی و خارجی، اتخاذ گردید.

از آنجا که صادرات غیرنفتی موتور توسعه اقتصادی پایدار تلقی می‌شود و رفع بسیاری از معضلات و تنگناهای اقتصادی کشور نظیر کمبود منابع ارزی و سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و تورم، وابسته به آن است، بررسی سیاست‌های بخش بازرگانی در برنامه سوم حایز اهمیت می‌باشد.

بسیار همین منظور خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» با دکتر معتمدی‌رهنما رهبری پژوهشگر ارشد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی به گفت‌وگو نشست و دراز و نشیب‌های برنامه سوم، سیاست‌ها، راهکارها و... در بخش بازرگانی را جویا شد. ماحصل این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

■ محور اصلی بخش بازرگانی در سومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور چیست؟

□ محور اصلی بخش بازرگانی در برنامه سوم توسعه در رهنمودهای مقام معظم رهبری و در مصوبات هیأت دولت، بحث «جهش صادراتی» است. در این زمینه باید اشاره شود بحث «جهش صادراتی» نه تنها نظر وزارت بازرگانی است، بلکه مسئولان سازمان برنامه و بودجه نیز اذعان کرده‌اند که صادرات غیرنفتی پاشنه آشیل برنامه سوم است و اگر تحقق نیابد، بعید است اهداف برنامه در زمینه رشد تولید ناخالص داخلی و ایجاد اشتغال و... محقق گردد. برای

وزارت بازرگانی این امر اهمیت زیادی داشت.

اگر بخواهیم به افق ایران ۱۴۰۰ برسیم و تا این سال یک درصد تجارت جهانی را در اختیار داشته باشیم و ارزش صادرات کالا به دوست میلیارد دلار برسد، رشد بسیار بالایی در زمینه صادرات غیرنفتی معادل ۱۸ درصد در سال موردنیاز است.

البته این رشد یکنواخت نخواهد بود و در سال‌های نخست که ارزش صادرات در سطح پایینی است، باید نرخ رشد بالاتری داشته باشیم و سال‌های آخر که صادرات به ۱۵۰ تا ۱۶۰ میلیارد دلار در سال می‌رسد، میزان رشد پایین‌تری

نصیب کشور خواهد شد.

برای این که در سال‌های نخست نرخ رشد بالاتری کسب شود، به دنبال سیاست جهش صادرات رفته‌ایم تا به هدف سال ۱۴۰۰ برسیم. در ضمن با سرعتی که کشورهای درحال صنعتی شدن در امر تجارت دارند، رشد بطئی جوابگو نخواهد بود. به دیگر سخن هر بازاری را که ما به‌دست نیاوریم، کشورهای دیگر به فوریت آن را تسخیر می‌کنند و بازاری که از دست برود و یا تازه بخواهیم در آن نفوذ کنیم، بسیار مشکل خواهد بود.

وزارت بازرگانی به این دلایل بحث جهش صادرات را در برنامه سوم توسعه

مرطح کرد و سازمان برنامه و بودجه، ستاد برنامه و هیأت دولت از آن استقبال کردند و با آن همراهی شد و مورد تأیید قرار گرفت و در لایحه برنامه سوم آمد.

■ دستیابی به چنین جهشی در صادرات غیرنفتی چه سازوکارها و تغییراتی را نیاز دارد؟

۱) اگر شرایط به صورت کنونی باشد، امیدی به جهش صادراتی موردنظر و دستیابی به میانگین رشد سالانه ۱۸ درصدی تجارت نخواهد بود. وزارت بازرگانی کالا یا خدمتی را تولید یا صادر نمی‌کند، بلکه بخش‌های تولیدی کشور هستند که باید ابتدا تغییرات ساختاری را در خود ایجاد کنند تا در این زمینه موفق شویم.

وزارت بازرگانی سعی کرده است تمامی مواردی را که برای این تغییر در برنامه سوم موردنیاز است، پیش‌بینی کند، اما اجرا و عمل کردن به آن در دست بخش‌های تولیدی کشور است.

برای مثال صنعت که باید بخش عمده بار جهش صادرات را به دوش بکشد، از هم‌اکنون می‌بایست در برنامه‌های تولیدی و صادراتی خود، به سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا توجه کند.

توسعه صنایعی چون فرش ماشینی که روی آنها سرمایه‌گذاری هنگفتی شده ولی قابلیت صادراتی چندانی ندارد، راه به جایی نخواهد برد. شرط اولیه و اساسی برای دستیابی به جهش صادراتی که موردنظر برنامه می‌باشد، این است که وزارتخانه‌های تولیدی در واقع به نیت جهش صادراتی پی ببرند و آن را در برنامه‌های آینده خود لحاظ کنند، وگرنه دستیابی به چنین رشدی در صادرات غیرنفتی امکان‌پذیر نیست.

■ برای دستیابی به جهش صادراتی چه برنامه‌ها و سیاست‌های

اجرائی درنظر گرفته شده است و چه نوع مشوق‌هایی در برنامه سوم توسعه پیش‌بینی شده است؟

□ - تولیدکنندگانی که بخواهند به سوی صادرات گام بردارند، باید انگیزه‌های لازم از جمله اطمینان و امنیت سرمایه و سودآوری آن را داشته باشند. در برنامه سوم توسعه سعی شده است بندهایی گنجانده شود که خیال صادرکنندگان و تولیدکنندگان را از ثبات برنامه آسوده کند.

- در این برنامه تشریح تولیدکننده و صادرکننده اطمینان پیدا می‌کنند که دولت در امر جهش صادراتی جدی است، بنابراین برای جلوگیری از تغییرات متوالی بخشنامه‌ها، صدور کلیه کالاها به جز اقلام خاص و محدودی که به ذخایر ژنتیک گیاهی و حیوانی کشور ممکن است لطمه وارد کند، آثار فرهنگی و عتیقه و یا برخی کالاهایی که دولت برای آنها یارانه مستقیم پرداخت می‌کند، آزاد اعلام شد.

در ضمن تمام وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دست‌اندرکار امر تولید و صادرات موظف شدند، رویه‌های اجرایی و دیوانسالاری (یوروکراسی) را به شدت کاهش دهند. از طریق کاهش دیوانسالاری (یوروکراسی)، سرعت صادرات بیشتر می‌شود و هزینه صادرکنندگان کاهش پیدا می‌کند.

- در برنامه سوم همچنین گفته شده است صدور کالا و خدمات از هرگونه مالیات و عوارض معاف است.

در همین حال بحث «جهش صادراتی» محدود به صدور کالاها نیست، بلکه صادرات خدمات نیز مدنظر است. وزارت بازرگانی بر این باور است که تا پایان برنامه سوم توسعه، ارزش صادرات خدمات کشور به ۵ تا ۶ میلیارد دلار خواهد رسید که بخش عمده آن مربوط به

صنعت گردشگری است. اگر بتوان در طی برنامه گردشگران خارجی را مجذوب سفر به ایران کرد، از این راه سالانه چند میلیارد دلار، درآمد نصیب کشور خواهد شد.

اعزام نیروی کار به خارج از کشور و نیز عبور کالا (توازنیت) از ایران ارزآور است و وابستگی چندانی هم به نفت ندارد.

■ سیاست‌های تثبیت نرخ ارز در برنامه دوم یکی از موانع توسعه صادرات غیرنفتی بوده است. در این زمینه در برنامه سوم چه تمهیداتی برای دستیابی به جهش صادرات غیرنفتی منظور شده است؟

□ یکی از نکاتی که خیال صادرکنندگان را از هر جهت آسوده می‌کند تا به سراغ برنامه‌ریزی برای تولید و صادرات کالا بروند، آن است که در برنامه سوم دولت اجازه نمی‌دهد به قابلیت صدور کالاها به دلیل تثبیت نرخ ارز واریزنامه‌ای یا صادراتی لطمه وارد شود.

در برنامه سوم توسعه پیش‌بینی شده است که نرخ ارز حاصل از صادرات متناسب با هزینه تولید یا تورم در کشور افزایش پیدا کند. بنابراین سیاست تعیین نرخ ارز به صورت مصنوعی و حفظ آن که در سال‌های پیش به صادرات غیرنفتی لطمه می‌زد، ادامه نمی‌یابد. کمااینکه دولت مجبور شد نرخ ارز مربوط به صادرات کالا (واریزنامه) را افزایش دهد.

در برنامه سوم نرخ ارز واریزنامه‌ای متناسب با هزینه تولید و تورم افزایش می‌یابد، به گونه‌ای که قابلیت رقابت کالاهای صادراتی همواره حفظ شود. نظر وزارت بازرگانی در تدوین برنامه سوم این بود که برای جهش صادرات غیرنفتی، سیستم چندنرخ‌ی ارز برای صادرکنندگان باید از بین برود. البته این

مورد به صراحت در برنامه نیامده است. نظر وزارت بازرگانی این بود که پیمان ارزی لغو شود، یا اگر لغو نمی‌شود (که نشده است)، دست‌کم مابه‌التفاوت نرخ فروش ارز و اریزنامه‌ای با بازار غیررسمی به گونه‌ای به صادرکننده پرداخت شود. زیرا این تفاوت در واقع نوعی مالیات است که از صادرکننده دریافت می‌شود.

این مابه‌التفاوت در واقع چه میزان است و چقدر به تولید و صادرات لطمه می‌زند و در برنامه سوم چه راهکاری در این زمینه اندیشیده شده است؟

□ در تشریح این موضوع باید گفت، تولیدکننده ارز و اریزنامه‌ای را حدود ۸۱۰۰ تا ۸۱۲۰ ریال خسربرداری می‌نماید. برای واردات مواد اولیه نیز به‌ازای هر دلار ۲۷۵ ریال حق ثبت سفارش می‌پردازد و برای چند ماه نیز پول او در بانک می‌خوابد. سپس وقتی مواد اولیه کالای تولیدی او وارد کشور شد، چند نوع مالیات و عوارض از وی اخذ می‌شود، در عمل هر دلار برای تولیدکننده حدود ۱۲۰۰۰ ریال تمام می‌شود. آن وقت دولت انتظار دارد تولیدکننده با دلار ۱۲۰۰۰ ریال کالایی را تولید کند و سپس آن را صادر کند و دلار حاصل از صادرات را به کشور بازگرداند و به نرخ ۸۱۰۰ تا ۸۱۲۰ ریال بفروشد. در این صورت نه تنها از صادرات حمایت نمی‌شود، بلکه از آن مالیات نیز دریافت می‌شود. البته در برنامه سوم توسعه پیش‌بینی شده بود که کلیه عوارض، مالیات، حقوق گمرکی، سود بازرگانی، حق ثبت سفارش و عوارضی که از نهاده‌های به‌کار رفته در تولید کالای صادراتی اخذ شده است، به صادرکننده بازگردانده شود. اما مجلس موافقت کرد که فقط حقوق گمرکی و سود بازرگانی مواد اولیه به‌کار رفته در کالاهای

صادراتی به صادرکننده پس داده شود. البته این خود قدم مثبتی در جهت گسترش صادرات است.

نظر وزارت بازرگانی این است که با از بین رفتن اختلاف یادشده شانس وقوع جهش صادرات بالا رود، زیرا اگر اختلاف میان «نرخ ارز و اریزنامه‌ای» و «ارز بازار غیررسمی» از بین برود و یکی شوند، قیمت‌ها شفاف می‌شود و نرخ‌گذاری صادراتی به شکل کنونی لازم نمی‌باشد. در همین حال صادرکنندگان نیز میزان واقعی صادراتشان را اعلام می‌کنند.

یکی از مباحث مهم در امر صادرات، شناخت بازارها و داشتن اطلاعات به‌موقع از فرصت‌های تجاری است که اغلب صادرکنندگان ایرانی از آن به جهات مختلف بی‌بهره‌اند. در برنامه سوم در این زمینه چه فکری شده است؟

□ موضوع مهمی که باید به آن اشاره شود، این است که استفاده از روش‌های سنتی تجاری در عرصه تجارت بین‌المللی امروز، جوابگو نیست. به همین جهت وزارت بازرگانی موظف شده ظرف دو سال نخست اجرای برنامه سوم، سیستم جامع اطلاع‌رسانی تجاری داخلی و بین‌المللی را راه‌اندازی کند تا صادرکنندگان و واردکنندگان به صورت لحظه‌ای بتوانند از وضعیت بازارهای جهانی مطلع شوند.

به تبع آن، اگر گمرک و بانک مرکزی جمهوری اسلامی سیستم‌های اسیکودا و سوئیفت را راه‌اندازی نمایند، سیستم تجارت الکترونیکی می‌تواند به سرعت عملیات خود را آغاز کند و فرآیند صدور یا ورود کالا به جای آنکه چند روز یا چند هفته به طول انجامد، ظرف یک روز و حتی چند ساعت انجام می‌شود و این زمینه خوبی برای صادرات و

صادرکنندگان محسوب می‌شود.

تاکید زیاد روی صادرات، مشکل تنظیم بازار داخلی را به چه حالتی درمی‌آورد؟

□ در ایران امروز این ذهنیت وجود دارد که هر کالایی صادر شود، گران می‌شود. در گذشته نیز به محض آنکه کالایی در بازار داخلی گران می‌شد، صادرات آن را ممنوع می‌کردند. برای آنکه این سناریو در برنامه سوم توسعه تکرار نشود، در یکی از بندهای برنامه به وزارت بازرگانی اختیار داده شد که اگر مشاهده شود بازار داخلی با مشکل روبه‌رو شده است، به جای آنکه جلوی صادرات گرفته شود، واردات آن کالا را از طریق ارز و اریزنامه‌ای یا بدون انتقال ارز آزاد کند.

این «بند» از قانون برنامه سوم توسعه خیال صادرکننده را آسوده می‌سازد که بخشنامه‌های متعدد جلوی صادرات را نمی‌گیرد و مشکل داخلی نیز برای کشور پیش نمی‌آید. به این ترتیب بدون آنکه به صادرات لطمه وارد شود، جلوی به‌هم ریختن بازار داخلی تا حدود زیادی گرفته می‌شود.

به نظر شما بخش بازرگانی در برنامه سوم توسعه، راهگشای جهش صادراتی که موردنظر وزارت بازرگانی است، می‌باشد؟

□ وزارت بازرگانی بر این اعتقاد است که جهش صادرات در برنامه سوم توسعه امکان‌پذیر است، اما اگر هیچ حرکتی انجام نشود، خیر. البته ذکر این نکته لازم است که تمام نکات موردنظر وزارت بازرگانی و راهکارهای پیشنهادی آن، بیش از آنچه در سند برنامه یا پیوست‌های آن آمده است، می‌باشد.

با این وجود، در شرایط کنونی اگر بخش‌های مولد اقتصادی به دنبال سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا بروند و

بسندهایی که در لایحه برنامه سوم و پیوست آن آمده است اجرا شود، وزارت بازرگانی عقیده دارد که دسترسی به جهش صادرات کاملاً امکان‌پذیر است و حتی ارقام مربوط به مجموعه صادرات غیرنفتی بیش از پیش‌بینی برنامه خواهد شد. برای مثال ارزش صادرات خدمات در لایحه برنامه سوم، بسیار پایین منظور شده است. ارزش صادرات خدمات در سال اول برنامه حدود یک میلیارد و سیصد میلیون دلار در نظر گرفته شده است، در صورتی که ترازنامه بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ ارقام یادشده را یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار نشان می‌دهد.

بنابراین رقم دست پایین گرفته شده است، زیرا چشم‌انداز صنعت گردشگری (توریسم)، عبور کالا (ترانزیت) و اعزام نیروی کار به خارج از کشور بسیار بالاتر از ارقام کنونی خواهد بود.

گسفتنی است ارقامی که وزارت بازرگانی در موارد یادشده به آن رسیده است، بیش از دو برابر ارقامی است که در برنامه سوم توسعه پیش‌بینی شده است.

■ آیا عوامل سیاسی بیرون مرزی مانند تحریم‌ها، بخش بازرگانی برنامه سوم توسعه را با مشکل مواجه نمی‌سازد؟

□ آنچه که وزارت بازرگانی باید مسؤولیت آن را در برنامه به عهده گیرد، بخش بازرگانی برنامه سوم توسعه است. در بخش دیگر برنامه که بحث سیاست داخلی و روابط خارجی است، مواردی مانند تحریم‌ها و... دیده شده است.

خوشبختانه شرایط در کشور به گونه‌ای است که مباحث گفت‌وگوی تمدن‌ها، روابط ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس و اتحادیه اروپا روبه‌بهبود است.

خوشبختانه نگاه جهان به جمهوری

اسلامی ایران در حال حاضر نسبت به ده سال قبل تفاوت زیادی کرده است و اکنون برخورد با مسایلی که در سطح روابط بین‌المللی پیش می‌آید، متفاوت می‌باشد. به یقین این وضعیت باید باز هم بهبود یابد.

■ در برنامه سوم توسعه راهکارهای عضویت در سازمان جهانی تجارت (WTO) دیده نشده است، در صورتی که عضویت در این سازمان از ابزارهای دستیابی به جهش صادراتی محسوب می‌شود، نظر شما چیست؟

□ همان‌طور که اشاره گردید، سازمان جهانی تجارت (WTO) برای ایران یک ابزار محسوب می‌شود. به دلیل دستیابی به جهش صادراتی و به تبع آن رسیدن به شکوفایی اقتصادی، یکی از راهکارها، عضویت در این سازمان است. این موضوع جزو پیشنهادها در برنامه سوم توسعه بود، اما به صراحت در قانون برنامه و یا راهکارهای اجرایی آن نیامد.

البته شاید بتوان گفت که در برنامه سوم توسعه عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت (WTO) تا حدودی غیرصریح آمده است. نظر وزارت بازرگانی این است که اگر همه کشورها از یک ترجیحات تجاری استفاده کنند و ایران از آن محروم باشد، روی مزیت رقابتی کشور تأثیر می‌گذارد و به صادرات لطمه وارد می‌کند.

با ورود چین و تایوان به سازمان جهانی تجارت بیش از ۹۵ درصد تجارت جهان در چارچوب این سازمان صورت می‌گیرد. عضویت در این سازمان اگر مضر بود، کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به سمت آن نمی‌رفتند. البته عضویت در این سازمان با مشکلاتی همراه است، ولی صرف عضویت در سازمان جهانی تجارت نیز مشکلی را حل

نمی‌کند، باید فعال با موضوع برخورد کرد و به سمتی رفت که راه‌های استفاده از عضویت را پیدا کرد و از لطمات وارده دوری جست و جلوگیری کرد.

■ آیا برنامه سوم توسعه راه را برای ورود به سازمان جهانی تجارت باز گذاشته است؟

□ برنامه سوم توسعه تا حدودی راه را برای عضویت در سازمان جهانی تجارت باز گذاشته است. بحث ثبات قوانین و مقررات و شفاف شدن یارانه‌ها در برنامه سوم مطرح شده است که کمک زیادی به ورود ایران به سازمان جهانی تجارت می‌کند.

نکته مهم دیگری که در برنامه آمد و مورد تأیید قرار گرفته، بحث تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ای است. این امر به صراحت در برنامه آمده و دولت نیز موظف شده است که کلیه موانع غیرتعرفه‌ای را به تعرفه‌ای تبدیل کند و به تدریج آن را در یک دوره زمانی تعدیل کند و کاهش دهد.

این امر از لحاظ عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت در آینده مهم است. هدف وزارت بازرگانی از پیشنهاد تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ای این بود که در اقتصاد کشور دیده شود هر صنعتی تا چه اندازه مورد حمایت قرار می‌گیرد. این امر از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها در صنعت جلوگیری می‌کند و انگیزه را برای نوآوری و بهبود روند تولید فراهم می‌کند.

■ در برنامه سوم توسعه بخش خصوصی چه نقشی در بازرگانی جهانی ایفا خواهد کرد؟

□ در برنامه سوم توسعه، دولت در خصوصی سازی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی بسیار جدی است. واگذاری شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بخش خصوصی، دولتی بودن اقتصاد را تا مقدار

شود، دوم آنکه قانون مربوط به قبل از انقلاب است و به نظر خارجیان در این برهه اعتبار چندانی ندارد.

لازم است در این قانون یک بازنگری اساسی شود تا نشان داده شود جمهوری اسلامی ایران نیز از قانون جلب و سرمایه‌گذاری خارجی به‌طور رسمی و علنی دفاع می‌کند و نقاط ضعف قانون قبلی نیز برطرف شود.

البته قوانین مالیاتی ایران و چندنرخ بودن ارز، مشکلاتی هستند که خوشبختانه در برنامه دیده شده است. در برنامه سوم توسعه سعی شده است مشکلات ساختاری از میان برداشته شود.

■ برای منطقه‌ای کردن اقتصاد کشور که جهش صادراتی را به دنبال دارد، در برنامه سوم توسعه چه تمهیداتی اندیشیده شده است؟

□ در برنامه سوم توسعه، سعی شده است وضعیت اقتصادی کشور سامان مطلوبی پیدا کند. بحث تراکم جمعیت و توزیع آن در نقاط مختلف کشور و بهره‌برداری از امکاناتی که در استان‌ها هست و نیز استانی کردن یک سری از فعالیت‌ها در برنامه دیده شده است.

وزارت بازرگانی نیز قبل از تدوین برنامه سوم توسعه، برای پیدا کردن توانایی‌های استان‌ها و امکانات مبادلاتی آنها سالانه چند همایش در استان‌های مختلف اجرا کرده است که کماکان ادامه دارد. در این همایش‌ها، توانایی‌های هر استان و امکانات مبادلاتی آن مورد بحث و بررسی عمیق قرار می‌گیرد و نقاط ضعف و قوت آن بازگو می‌شود. البته در کلان قضیه، بحث آمایش سرزمین و واگذاری امور و اختیارات به استان‌ها در برنامه سوم توسعه دیده شده است.

چنین فعالیت‌هایی جزو کارهای اجرایی است که بخش خصوصی به‌خوبی می‌تواند آن را اجرا کند و لازم نیست دولت وارد چنین اموری شود. هرگاه احساس شود که فعالیت اقتصادی وجود دارد و بخش خصوصی می‌تواند آن را انجام دهد، سعی شده است پای دولت از آن کنار کشیده شود و حتی توصیه شده است دولت از تشکلهای اقتصادی که اکثر آنها خصوصی هستند، حمایت کند.

■ نظر به اینکه سرمایه‌گذاری خارجی جزو لاینفک جهش صادراتی در برنامه سوم توسعه شده است؟

□ در برنامه سوم توسعه به سرمایه‌گذاری خارجی توجه خوبی شده است. برخی بخش‌ها به‌ظاهر برای حضور سرمایه‌گذار خارجی بسته شده است که همان بخش‌های مربوط به اصل ۴۴ قانون اساسی است. اصل ۸۱ که به موجب آن دادن امتیاز تشکیل شرکت به خارجیان ممنوع است، نیز جزو بخش‌های بسته محسوب می‌شود. تفاسیر محدودی از این موارد می‌شود و یا لااقل سرمایه‌گذار خارجی وقتی می‌بیند در قانون اساسی چنین مواردی وجود دارد، واقعاً فکر می‌کند که نمی‌شود در ایران سرمایه‌گذاری کرد، در صورتی که واقعیت این چنین نیست و جز یکی دو بخش که آن هم در لایحه برنامه سوم توسعه نظیر بانک، بیمه و کشتیرانی تا حدودی بسته بوده، زمینه برای فعالیت‌ها باز است. اما از آنجا که این موارد به‌طور شفاف به سرمایه‌گذاران خارجی اعلام نشده است، هنوز آنها اطمینان کافی به سرمایه‌گذاری در ایران ندارند.

قسانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی اگرچه وجود دارد و عمل می‌شود، اما از نظر خارجیان دو اشکال دارد. اول آنکه قدیمی است و در آن مواردی وجود دارد که باید برطرف

زیادی کاهش خواهد داد. علاوه بر آن، تا آنجا که امکان داشت، در پیشنهادهای وزارت بازرگانی، دست بخش خصوصی در تجارت باز گذاشته شد. حتی وزارت بازرگانی پیشنهاد کرده است که بخش خصوصی در زمینه واردات کالاهای اساسی فعال شود و به تدریج سهم بیشتری از واردات این نوع کالاها را به عهده بگیرد.

در بندهایی از برنامه سوم تصریح شده است که صندوق‌های توسعه صادرات به صورت غیردولتی تشکیل شود و دولت از آنها حمایت کند. در بحث ایجاد پایانه‌های صادراتی نیز هدف وزارت بازرگانی دولتی بودن آنها نیست و ترجیح می‌دهد که بخش خصوصی در این زمینه فعالیت مطلوبی داشته باشد. بخش‌های دیگر برنامه سوم نیز به نقش بخش خصوصی کمک می‌کند که مربوط به کار وزارت بازرگانی نمی‌باشد و ارگان‌ها و وزارتخانه‌های دیگر باید دنبال تحقق آنها باشند. برای مثال در برنامه آمده است که امتیازهای شرکت‌های دولتی نباید بیش از بخش خصوصی باشد. یا در تسهیلات تکلیفی سهم بخش‌های خصوصی و دولتی باید به گونه‌ای تعیین شود که بخش بیشتری از منابع در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد. در زمینه تخصیص ارز نیز باید کمیسیون تخصیص ارز، نقش بخش خصوصی را افزایش دهد.

به یقین آنچه در بازرگانی کشور احساس شد، این بود که اعطای امتیازها به تدریج به سوی بخش خصوصی حرکت کند، حتی احداث انبار و سردخانه جدید نیز باید از سوی بخش خصوصی صورت گیرد و اگر وزارت بازرگانی بخواهد انبار و سردخانه احداث نماید، باید منابع موردنیاز آن از محل فروش انبارها و سردخانه‌هایی که فعلاً در تملک این وزارتخانه است، تأمین شود.

